

مقاصد شریعت و تطبیق آن با  
موضوع قاچاق کالا و ارز

وریا حفیدی<sup>۱</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان [vhafidi@yahoo.com](mailto:vhafidi@yahoo.com)

## چکیده

«مقاصد شریعت» بیان غایت‌مندی شریعت در قانونگذاری و تشریح احکام می‌باشد و از علمی است که از صدر اسلام مورد پذیرش همه مسلمانان قرار داشته و بر اساس آن متون دینی تفسیر شده‌اند. هر چند در امکان و چگونگی شناخت مقاصد شریعت، اختلاف رأی وجود دارد؛ با این وصف، جمهور فقها مقاصد شریعت را - با تکیه بر نصوص - در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینات بررسی کرده و قوانینی که برای تحقق آنها تشریح شده است را، مکملات نامیده‌اند. این دسته‌بندی غایت‌مدارانه در فقه اسلامی، به فقیه کمک می‌کند تا در استنباط قوانین و بیان احکام شرعی، همواره اولویات‌ها و اهداف کلی شارع را در نظر بگیرد و در تطبیق عملی فقه اسلامی، به ویژه بیان احکام مسائل مستحدثت، غایات شرعی را مد نظر قرار دهد.

«قاچاق» در دوران کنونی به یکی از معضلات جامعه تبدیل شده و آسیب‌های متعددی را بر پیکر جامعه وارد نمود است. در قانون ایران نیز مجازات‌های متفاوتی برای مبارزه با انواع قاچاق در نظر گرفته شده تا شدت مجازات‌ها، زمینه اجتناب از ارتکاب آنها را فراهم سازد. از نگاه مقاصد شریعت قاچاق انسان، مشروبات الکلی، مواد مخدر و افیونی به دلیل تعارض با ضروریات ممنوع بوده و قاچاق اسلحه، ارز، آثار ملی و آثار باستانی را، می‌توان برای دفاع از امنیت، ارزش و هویت تاریخی و ثروت‌های ملی با استناد به حاجیات ممنوع اعلام کرد. با هدف حفظ استقلال و دفاع از تولید داخلی که از تحسینات یک جامعه مستقل و ایده آل می‌باشد، نیز می‌توان قاچاق سایر کالاها و لوازم را ممنوع اعلام نمود و با وضع قوانینی متناسب، زمینه نیل به اهداف و مقاصد را هموار نمود.

واژگان کلیدی: مقاصد شریعت، قاچاق، قاچاق کالا و ارز.

## ۱. مقدمه

جهان بینی اسلامی، به عنوان آخرین و کامل ترین شریعت الهی، برنامه ای جامع برای رشد فردی و اجتماعی انسان ارائه کرده است که فهم و رعایت صحیح آن موجب بالندگی و رشد همه جانبه می گردد هر چند که در پاره ای از موارد، تشریح اسلامی به بیان کلیات و ضوابط کلی اکتفاء کرده است، اما فهم کلیات و ضوابط اجمالی شریعت می تواند انسان را در استنباط مسائل جدید و مشکلات نوظهور جامعه یاری رساند. بدیهی است که تشریح جزئی در همه امور جامعه، با توجه به تنوع و تعدد مسائل، به ویژه با در نظر گرفتن امور مستحدث، امری خالی از حکمت بوده که حفظ آن توسط مسلمان صدر اول را متعسر یا متعذر می نمود. چون اگر شارع متکفل بیان همه جزئیات می گشت، لازمه آن ذکر احکام مسائلی بود که در زمان حیات پیامبر (ص) حادث نشده بود که این امر عبث و خلاف حکمت به نظر می رسد. از سوی دیگر خداوند حکیم به انسان موهبت عقل اعطاء نموده است که با جولان خرد در عرصه الفاظ و متون، بتواند به تناسب شرایط و اوضاع مختلف، در امور تصمیم گیری کرده و با استمداد و استناره عقل از شرع، احکام امور مستحدث را با در نظر گرفتن غایات تشریح استنباط نماید. بر این اساس، اگر خداوند احکام همه جزئیات را بیان می نمود، موهبت عقل در این عرصه معطل شده و این استعداد عظیم که ممیزه انسان از دیگر موجودات است، به فراموشی سپرده می شد. در نظر گرفتن این دو عامل، توضیح مناسبی برای ذکر کلیات برخی از احکام و پرهیز از تفصیل آنها را بیان می دارد.

استنباط احکام فقهی جدید و بیان موضع اسلام در عرصه عمل باید با تکیه بر نصوص و دلایل فقهی انجام گیرد، چون در غیر این صورت، هر فردی در پوشش اجتهاد به ارائه نظریاتی می پردازد که شاید نتوان انتساب آنها به اسلام را پذیرفت؛ از این رو اصولیان و فقها از دیر باز، اصول و ضوابط تفسیر فهم متون را به دقت و با ریز بینی، مورد مذاقه و باز بینی قرار داده و اصول فهم، تفسیر استنباط احکام را در قالب

اصول فقه تدوین نموده تا از هرج و مرج در احکام جلوگیری نمایند. از سوی دیگر، وقوف در حد الفاظ و اهتمام به عبارات بدون نگاه کردن به روح شریعت امکان دارد در تطبیق عملی احکام فقهی، اخلال ایجاد کند و به علت غفلت فقیه از اولویات و غایات تشریح و محدود بودن در عبارات، مجتهد نتواند در بیان احکام حکمت لازم را به کار ببندد؛ بنابراین، در کنار علم الفاظ در اصول فقه، برای رفع این احتمال، دانشمندان از قرن پنجم به بعد به تدوین و تنظیم مقاصد شریعت اقدام نموده تا نص گرایي موجب انحراف در اجتهاد نگردد و در واقع تعامل سازنده اصول و قواعد الفاظ با علم مقاصد شریعت که به غایات نظر دارد، مجتهدان را در بیان حکم مسائل جدید یاری می‌رساند.

از مسائل نوپیدا در جامعه اسلامی «قاچاق» می‌باشد که در دوران قدیم به دلیل عدم نیاز به کنترل واردات و صادرات کالا در فقه اسلامی مورد بحث قرار نگرفته و قواعد کلی در باب معاملات در مورد این کالاها اعمال می‌گشت. با تغییر جوامع و شکل‌گیری مرزهای سیاسی به معنای جدید و کنترل ورود و خروج و شکل‌گیری گمرک، مسأله واردات و صادرات نیز با مفهوم و رویکرد جدید همراه گشته که ضرورت بازنگری در این حوزه و بیان احکام مسائل مربوط به واردات غیرقانونی کالا را بیش از پیش توجیه می‌کند.

با در نظر گرفتن مقدمات فوق این سوال مطرح می‌شود که با تکیه بر مقاصد و اهداف اسلام در تشریح، چه مبانی و راهکارهایی نسبت به پدیده قاچاق کالا در اسلام وجود دارد و مقاصد شریعت چگونه می‌تواند در برخورد با این معضل راهگشا باشد؟ برای پاسخ به این سوال لازم است ابتدا به صورت مختصر به تبیین مفهوم مقاصد شریعت و چارچوب‌های آن و سپس به بیان انواع قاچاق و شیوه برخورد با آن در قانون ایران پرداخته و در پایان با تطبیق مبانی مقاصد شریعت به بیان رویکرد فقه اسلامی به این معضل اجتماعی پرداخت.

## ۲. مقاصد شریعت

مقاصد شریعت<sup>۱</sup> ترکیبی اضافی است و از دو واژه «مقاصد» و «شریعت» تشکیل شده است. «مقاصد» جمع «مقصد» مصدر میمی و اسم مکان از فعل «قَصَدَ» می باشد (فیومی، بی تا، ۲/ ۵۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/ ۳۶۴۲). این ریشه در زبان عربی به معانی مختلفی به کار رفته است. معانی مختلف این واژه عبارتند از:

— خواستن و طلب چیزی و تلاش برای رسیدن بدان. زمانیکه گفته می شود: «قَصَدْتُه» به معنای خواستن و تلاش برای رسیدن به آن بوده و این معنا، معنای اصلی و حقیقی ماده «قصد» می باشد (فیومی، بی تا، ۲/ ۵۰۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱/ ۳۲۷؛ همو، بی تا، ۴/ ۲۷۱).

— اعتدال و پرهیز از افراط در کارها، چنانکه در آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشِيكِ» (لقمان/ ۱۹) به معنای اعتدال در راه رفتن می باشد.

— نزدیکی و قرب، چنانکه در آیه «لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ» (التوبه/ ۴۲) به معنای سفر نزدیک می باشد.

— استقامت در کارها و شکستن و گذشتن از موانع و ... (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۵/ ۹۵-۹۶؛ زبیدی، بی تا، ۲/ ۴۶۶؛ فراهیدی، بی تا، ۵/ ۵۴).

لازم به ذکر است معانی مجازی و ثانویه ماده «قصد» با معنای حقیقی آن قابل جمع بوده و لازمه طلب چیزی، رعایت اعتدال و در نتیجه نزدیک شدن و گذشتن از موانع می باشد.

واژه «شریعت» از ماده «شَرَعَ» به معنای مکانی است که دارای مسیر آب و خاستگاه مشخص می باشد (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۳/ ۲۶۲). این واژه در اصل به سرچشمه آب و

آبشخور حیوانات و سپس بر دین و قوانین الهی اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۷۴/۸؛ جوهری، ۱۴۰۷، ۱۲۳۶/۳؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹، ۶۰/۲). به نظر می‌رسد اطلاق «شریعت» بر قوانین الهی از باب مشخص بودن ضوابط شریعت بوده و بدان سبب که قوانین الهی، روح زندگی سالم را در جامعه می‌دمد و همچون آب که در کالبد موجودات موجب حیات می‌شود، در اجتماع روح حیات می‌دمد، بدان اطلاق شده است. شریعت در اصطلاح به مجموعه قوانین و ضوابطی گفته می‌شود که از جانب خداوند بیان گردیده و عقاید و اعمال انسان را تبیین می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۱۹/۳۰۶). شایان ذکر است برخی شریعت را اطاعت و التزام به فرامین الهی و اطاعت از رسول و اولی الامر دانسته‌اند (همان، ۱۹/۳۰۹؛ جرجانی، ۱۴۰۳، ۱۶۷).

مقاصد شریعت به عنوان یکی از علوم مهم اسلامی، از آغاز اسلام وجود داشته و همواره دانشمندان مسلمان در اجتهادات خویش، اهداف و غایات شریعت را مد نظر قرار داده‌اند، اما به دلیل غموض و عدم انضباط اسرار شریعت در برخی از موارد، این علم به صورت مستقل و مدون در نیامده بود؛ ولی عدم استقلال به معنای عدم وجود نمی‌باشد. در واقع، «مقاصد شریعت» قبل از تدوین مبانی ملحوظ غیر ملحوظ بوده که مورد پذیرش همگان قرار داشته است. از نخستین صاحب نظرانی که مقاصد شریعت را به عنوان علمی مستقل مطرح نمود، «امام الحرمین جوینی (م. ۴۷۸) و محمد بن محمد غزالی (م. ۵۰۵) بودند، چنانکه امام محمد غزالی در این باب گفته است: مصلحت عبارتست از جلب منفعت و دفع مفسده که منظور از مصلحت مصالح شرعی است نه آنچه که مردم مصلحت می‌پندارند که شامل حفظ دین، جان، عقل، نسب و مال می‌گردد (غزالی، ۱۴۱۳، ۲/۴۸۱).

پس از غزالی، بزرگانی چون آمدی (م. ۶۳۱)، عز بن عبدالسلام (م. ۶۶۰)، قرافی (م. ۶۸۴)، ابن تیمیه حرانی (م. ۷۲۸)، ابن قیم جوزی (م. ۷۵۱)، شاطبی (م. ۷۹۰) و... از صاحب نظرانی هستند که در این زمینه به صورت ویژه به بررسی و تحلیل احکام فقهی بر

مبنای مقاصد شریعت اقدام نمودند و به تدریج این علم در کنار علم الفاظ در اصول فقه قرار گرفت و مکمل آن گردید. توجه به علم مقاصد موجب می‌گردد، ضوابط زبانی و اصول ادبی مقرر در علم اصول، با انعطاف و انطباق پذیری در راستای اهداف تشریح، موجب کارآمدتر شدن فقه در ادوار مختلف می‌گردد.

با جمع بندی اقوال فقها در باب تعریف مقاصد شریعت می‌توان گفت: مقاصد شریعت عبارتست از غایات و حکمتهایی که خداوند در اوامر و نواهی شریعت اراده کرده تا موجب اصلاح امور دنیوی و اخروی بندگان را محقق سازد. مقاصد شریعت با این تعریف، با مفاهیمی همچون حکمت، معنا، علت، مناسب، مناط، مصلحت و ... ارتباط نزدیکی خواهد داشت که این مفاهیم در حوزه‌های مختلف اصول فقه از مبانی استنباط احکام و به ویژه اجتهاد در امور مستحدث می‌باشند.

قبل از ورود به بحث مقاصد و انواع آن نگاه فقهی، شایان ذکر است در میان اصولیان دو دیدگاه درباره مقصدگرایی شریعت وجود دارد. غالب دانشمندان اسلامی غایت مندی احکام شریعت را پذیرفته و آن را مبنای قیاس دانسته‌اند؛ در حالی که ظاهریه و برخی از متقدمان شافعیه، مقصدگرایی در احکام را نپذیرفته و ظاهراً با تکیه بر معنای قصد در تشریح و عدم تصور آن برای خداوند از منظر کلامی با آن مخالفت کرده‌اند (اشعری، ۱۴۲۶، ۴۷۰) و بزرگانی چون سبکی در توضیح آن کوشیده‌اند و سعی در رفع این ابهام داشته‌اند (سبکی، ۱۴۱۶، ۴۱/۳) ولی متأخران شافعیه آن را پذیرفته و با تفکیک مفاهیم و مناقشات کلامی و فقهی، از این علم در استنباط احکام استفاده کرده، تا جاییکه در دوره‌هایی شافعیه پرچمدار علم مقاصد شریعت بوده‌اند.

## ۲-۱. شیوه کشف و اثبات مقاصد شریعت

مقاصد شریعت و جزئیات آن را می‌توان به دو شیوه عقلی و نقلی از بطون متون استنباط نمود:



الف) استنباط نقلی مقاصد شریعت از طریق استقصاء و استقراء نصوص و استنباط کلیات و غایات شریعت، نخستین راه کشف مقاصد می‌باشد (شاطبی، ۱۴۱۷، ۶/۲-۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲۳۳). از دلایل مقصدگرایی در تشریح اسلامی می‌توان به دلایل نقلی زیر اشاره کرد:

- وصف خداوند به حکمت و رحمت که مقتضای آن هدفمند بودن اوامر و نواهی خداوند متعال می‌باشد.

- اعلام علت و اسباب تشریح در آیات و احادیث با ادواتی همچون: «لام تعلیل» (البقره/ ۱۴۳)، «کی تعلیلیه» (الحشر/ ۷)، «لعل» (البقره/ ۱۸۳)، یا عباراتی شبیه «من أجل ذلك» (المائده/ ۳۲) و ... .

- اشاره آیات و احادیث به مقاصد تشریح همچون آیات ۷۸ سوره الحج، ۱۸۵ البقره، ۹۰ النحل و ... .

ب) در کنار دلایل نقلی متعدّد، فقها دلایل عقلی نیز برای اثبات مقاصد شریعت ارائه کرده‌اند. برخی از این دلایل عبارتند از:

- خداوند انسان را کرامت داده و از لوازم تکریم تام خداوند، تحقّق مصالح به طور کامل می‌باشد که در صورت عدم آن، کرامت به معنای تام محقّق نمی‌گردد (رازی، ۱۴۱۸، ۲/۲۳۹).

- خداوند موجودات را خلق و مصالح دنیوی و اخروی بندگان را مقلّد نموده است و عقلاً محال است که خداوند همه مصالح را مقلّد کرده و در تشریح آنها را مهمل بگذارد (همان، ۲/۲۳۹).

فقها پس از پذیرش مقاصد شریعت، با طرّقی همچون: استقراء، شناخت علل امر و نهی، تعبیرات و تعلیلات احکام، مناسبت، سبر و تقسیم، دوران، طرد، تنقیح مناط، اناطه احام به امور و... مقاصد شریعت را شنا سایی کرده (ابن عا شور، ۱۹۷۸، ۲۰؛ غزالی،



۱۴۱۳، ۲ / ۴۳۲؛ جوینی، ۱۴۱۸، ۲ / ۷۹۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۲ / ۱۵) و آنها را بر اساس اهمیت و جایگاهشان در سه دسته تقسیم‌بندی نموده‌اند.

## ۲-۲. تقسیم‌بندی مقاصد شریعت

پس از پذیرش مفهوم مقاصد شریعت و طرق کشف آنها، دانشمندان اسلامی بر اساس اهمیت و اولویت، مقاصد را به سه دسته: «ضروریات»، «حاجیات» و «تحسینیات» تقسیم‌بندی کرده که برخی دست چهارم را تحت عنوان «مکملات» بدانها افزوده‌اند.

### ۲-۲-۱ - ضروریات

ضروریات<sup>۱</sup> عبارتند از مصالحی که متضمن اموری اساسی و ضروری در حیات فردی و اجتماعی بوده به گونه ای که اگر این امور مختل شوند و یا آسیب ببینند، حیات فردی و نظم اجتماعی بر هم خورده و کیان جامعه را با خطر تهدید می‌کند (رازی، ۱۴۱۸، ۲ / ۲۲۰؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۸ / ۲). صاحب نظران با استقراء نصوص قرآنی و آیاتی همچون: ۱۵۱-۱۵۳ سوره الأنعام، ۲۳-۳۶ الإسراء، ۱۲ الممتحنه و ... و احادیث مرتبط، (زرکشی، ۱۴۱۴، ۵ / ۱۲۳؛ قطب، ۱۴۱۲، ۳ / ۱۲۳۱-۱۲۳۳) مصالح ضروری را در امور در امور پنچگانه و به صورت زیر تقسیم‌بندی نموده‌اند:

۱- حفظ دین<sup>۲</sup>: مهم ترین و اصلی ترین هدف تشریح حفظ دین بوده و خداوند نیز عبادت را هدف اصلی خلقت معرفی نموده است. از نگاه خداوند دین حقیقی تنها اسلام بوده که غیر آن از بندگان قابل پذیرش نمی باشد. (آل عمران / ۱۹ و ۸۵). با توجه به محوریت و اهمیت دین، حفظ آن نیز از مهم ترین مقاصد تشریح است، چون در صورت ضیاع و فساد آن، دیگر مقاصد نیز از بین رفته و روح انسانیت و حیات



۱. Necessitates

۲. Save of Religion

سالم در جامعه از بین می‌رود (محمد/ ۱۲؛ الفرقان/ ۴۴)؛ با لذا تشریح و الزام احکامی همچون جهاد، دعوت به دین، الزام به جمعی بودن عبادات و ... حفظ دین را بر مسلمان واجب نموده است. در صورت اهمال در تحقق دین حقیقی، هوا و زیاده خواهی‌های انسان بر جامعه حاکم شده و به تدریج جامعه را به تباهی خواهند کشاند (المؤمنون/ ۷۱). از اینرو فقها حفظ دین را نخستین ضرورت از ضروریات مقاصد شریعت قلمداد کرده‌اند (شاطبی، ۱۴۱۷، ۲/ ۴۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۲/ ۱۴۰).

**۲- حفظ جان<sup>۱</sup>:** از نگاه اسلام، جان انسانها ارزش والایی داشته تا حدی که قبل بی گناه یک انسان به مثابه قتل تمام مردم معرفی شده است (المائده/ ۳۲) و از نگاه فقهی، جامعه اسلامی موظف است با ایجاد امنیت همه جانبه و شامل، از همه انسانهای جامعه (مسلمان و غیر مسلمان) را محافظت نماید (نووی، ۱۴۱۲، ۹/ ۱۴۸). اسلام برای حفظ جان، احکامی همچون: حرمت تجاوز به نفوس، قصاص، ضمانت جان، ضرورت وجود بینه در دعاوی جرح و قتل، اباحه تناول محظورات برای حفظ جان و ... را تشریح نموده است (ابن قدامه، بی تا، ۱۲/ ۸۸؛ نووی، ۱۴۱۲، ۹/ ۱۳۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶، ۷/ ۲۶۴). توجه به شواهد و دلایل مختلف در باب اهمیت جان، سبب شده است فقها حفظ آن را به عنوان دومین ضرورت از ضرورت‌های پنجگانه مقاصد شریعت بپذیرند.

**۳- حفظ عقل<sup>۲</sup>:** خرد و عقل، ممیزه انسان از حیوان و بزرگترین نعمت خداوند بر انسان است. اهمیت خرد و عقل از نگاه اسلام زمانی آشکارتر می‌گردد که امر به تفکر و تدبیر در قرآن بسیار بیشتر از امر به عباداتی چون نماز و زکات یا روزه مورد سفارش قرار گرفته است. حفاظت از این موهبت بی بدین از بدیهیات عقلی می‌باشد که در دین اسلام نیز به صورت ویژه ای بر صیانت و حفظ آن تأکید شده است، از اینرو در

۱. Save of life

۲. Save of wisdom

اسلام هر کاری که عقل را مختل سازد، حرام اعلام شده است. بر این اساس، کارهایی چون شرب خمر، مسکرات و هر چیزی که موجب ازاله و یا نقصان عقل شود، ممنوع می‌باشد؛ از اینرو برای مجازات شارب خمر ۴۰ و یا ۸۰ ضربه شلاق تعیین شده است (شافعی، ۱۴۱۲، ۶/ ۱۸۰؛ ابن قدامه، بی تا، ۱۲/ ۴۹۸) که هدف از این مجازات، بازداشتن افراد از ارتکاب مقدمات اسکار می‌باشد. با استناد به تنقیح مناط می‌توان گفت هر چیزی که زائل کننده عقل بوده و یا آن را تحت الشعاع قرار دهد، حرام بوده و ذکر آن در احادیث از باب اختصاص است و حرمت تناول شامل انواع داروهای روان گردان و مواد مخدری که سبب می‌شوند عقل انسان دستخوش تغییر شود می‌گردد و تعارض آن با حفظ عقل موجب حرمت آن می‌گردد

۴- **حفظ نسب**<sup>۱</sup>: از حریم‌ها و ارزش‌های جامعه انسانی، نسب، خانواده و روابط خونی می‌باشد که از نگاه اسلام حرمت خاصی برای آن قرار داده شده است و از اینرو حفظ آن نیز از ضرورت‌های فقه اسلامی قلمداد می‌شود (رازی، ۱۴۱۸، ۲/ ۲۲۰؛ ابن بدران، ۱۴۰۱، ۲۹۵؛ سبکی، ۱۴۱۶، ۳/ ۵۵). لازم به ذکر است برخی از فقها به جای نسب، «نسل» را به عنوان یکی از ضرورت‌های خمس بیان کرده (غزالی، ۱۴۱۳، ۲/ ۲۱۵؛ آمدی، بی تا، ۳/ ۲۷۴؛ شوکانی، ۱۴۱۹، ۲۶۱)، چنانکه دسته ای «عرض» و آبرو را از ضروریات دانسته اند (جوینی، ۱۴۱۸، ۲/ ۱۱۵۱؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۳۲/ ۲۳۴) که در واقع هر سه - با وجود تفاوت‌های جزئی - ناظر به یک حوزه معنایی مشترک می‌باشند. در اسلام برای حفظ نسب و نسل، قوانین متعددی از جمله اباحه و یا وجوب ازدواج، حرمت زنا، حرمت لواط، حرمت سقط جنین، و... تشریح شده و برای حفظ آبرو، ضمن تشویق به پاکدامنی در قالب ازدواج و یا خویشتن داری، حرمت بهتان، قذف، غیبت، دروغ، نمّامی، و... تشریح شده است. اهمیت و جایگاه نسب و عرض



۱. Save of Race (blood relationship)

سبب شده است که به عنوان یکی از ضرورت‌های دینی قلمداد شده و پس از حفظ دین، جان و عقل، از مهم‌ترین ضرورت‌های تشریح به شمار آید.

**۵- حفظ مال<sup>۱</sup>:** از ضرورت‌های زندگی که مصالح دنیوی با آن قوام پیدا می‌کند، «مال» است که در قرآن با عباراتی همچون «قیام» و «قوام» از آن نام برده شده که اضعاء آن حرام اعلام شده است. ارزش مال در اسلام ارزش ذاتی نبوده، بلکه عرضی می‌باشد و زمانی دارایی ارزشمند می‌باشد که برای کسب و نگهداری آن، اخلاق و فضایل انسانی تحت الشعاع قرار نگرفته باشد. بر این اساس است که خداوند در آیات مختلف، پیامبرانی را که دارای مکنت مالی بوده‌اند را ستوده و با تبجیل از آنها یاد نموده است.

به دلیل جایگاه و اهمیت مال در اسلام، راهکارهای سلبی و ایجابی برای حفظ آن تشریح شده است. راهکارهای ایجابی حفظ مال، اموری همچون: تشویق به کار، اباحه معاملات و داد و ستد (البقره / ۲۷۵)، ترغیب به کسب مال برای منافع دنیوی و اخروی (البقره / ۲۶۱ - ۲۷۵؛ المزمّل / ۲۰) را تشریح و با راهکارهای سلبی همچون: تحریم تجاوز به مال دیگران، تحریم اضعاء مال (الإسراء / ۲۶ - ۲۷)، حد سرقت (المائدّه / ۳۲) و ضمان متلفات و ... زمینه کامل حفظ مال را فراهم نموده است (ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲ / ۴۷۴؛ بابرّتی، بی‌تا، ۵ / ۴۲۲؛ ابن رشد، ۱۴۲۵، ۲ / ۵۸۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴، ۳ / ۴۷۱).

جمهور فقها ترتیب ضروریات خمس را به این صورت پذیرفته‌اند. شایان ذکر است که برخی ضرورت حفظ دین را بر بقیه امور مقدم نمی‌دانند و معتقدند جایگاه دین، پس از حفظ جان و در مرتبه دوم می‌باشد (اسنوی، ۱۴۰۰، ۱۰ / ۱۵۴؛ ابن همام، ۱۴۲۱، ۳ / ۲۳۱)، اما علمای اصول با دلایل متعدد بر ضرورت حفظ دین بر سایر ضروریات تأکید کرده‌اند. در هر حال، همه فقها اصولیان این پنج مورد را به عنوان ضروریات خمس در

فقه اسلامی پذیرفته و معتقدند در صورت اخلال یکی از این محورها در جامعه، حیات فردی و اجتماعی با اختلال و مشکل مواجه می‌گردد. پس از ضروریات خمس در مرتبه بعدی، تحقق حاجیات، دومین هدف از تشریح فقه اسلامی بوده که تحقق آن سبب ایجاد شرایط زندگی آسانتر و رفاه بیشتر در جامعه می‌گردد.

### ۲-۲-۲ - حاجیات

«حاجیات»<sup>۱</sup> در مقاصد شریعت به اموری اطلاق می‌شود که حیات اجتماعی برای داشتن آسایش، وسعت و رفع سختی و عسر و حرج، برای تحقق آنها تلاش می‌کند. لازم به ذکر است که فقدان حاجیات، جامعه را با بحران و اختلال مواجه نمی‌سازد، بلکه در صورت اهمال و عدم تحقق آنها، جامعه به سختی و مشقت دچار می‌شود (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۱/۲-۱۶؛ زرکشی، ۱۴۱۴، ۲۰۱/۵؛ آمدی، بی‌تا، ۲۷۴/۳). بدین سبب در شریعت اسلام، خداوند حرج و مشقت را در عبادات، عادات، معاملات و سایر ابعاد زندگی مبنای رخصت و تخفیف در ضوابط بیان کرده است (ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲/۲۱-۲۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۲۰/۵۵۳؛ ابن قیم، ۱۴۱۱، ۲/۶۰-۶۵).

با این توضیح مشخص می‌شود که هدف از حاجیات در باب مقاصد، رفع حرج از مکلف برای تحقق ضروریات و ایجاد آسایش و آرامش در حیات می‌باشد (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۷/۲). لازم به ذکر است فقها در این باب همچون ضروریات خمس به طبقه بندی حاجیات و تبویب آن اقدام ننموده و با بیان هدف کلی از وضع حاجیات، استنباط مصادیق آن را در شرایط و زمان‌های مختلف بر عهده مجتهدان گذاشته‌اند.

### ۲-۲-۳ - تحسینات

سومین قسم از مقاصد شریعت، «تحسینات» می‌باشد. تحسینات، جمع «تحسین»

از ماده «حُسن» به معنای زیبا شدن می‌باشد. «تحسین» به معنای زیبا سازی و بیانگر آن است که انسان کاری را که با رعایت اصول و ضوابط تأسیس نموده و امور ضروری و نیازهای ثانویه آن را محقق کرده است، در پی زیباسازی و تکمیل ظواهر و فروع آن بر می‌آید. تحسینیات در مقاصد شریعت، عبارتست از آنکه پس از تأسیس جامعه و تحقق ضروریات و حاجیّات، قانونگذار باید با تدوین قوانینی متنا سب، مقدمه کمال و رشد افراد افراد جامعه و تخلق آنها به مکارم و فضایل اخلاقی والا را فراهم سازد. به عبارت دیگر، خداوند همواره با وضع قوانین، انسان را به بالاترین مراتب رهنمون شده و او را به تخلیه به فضائل و تخلیه از رذائل دعوت نموده تا شخصیت کامل و جامع از انسان مسلمان و جامعه اسلامی، شهادی بر صحت و حقانیت تشریح الهی باشد. در قانونگذاری اسلامی، پس از تحقق ضروریات و حاجیّات، مردم به اهتمام به تحسینیات فرا خوانده شده‌اند، بر این اساس می‌توان تحسینیات را اموری دانست که حیات کریمانه را برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورند و در صورت فقدان آنها، حیات اجتماعی با بحران یا سختی و حرج مواجه نمی‌شود؛ اما از دست یابی به حیات کامل و تام باز می‌ماند (رازی، ۱۴۱۸، ۲/۲۲۳؛ ارموی، ۱۴۰۸/۱۹۲) که به عبارت دیگر بدین قسم «مکارم اخلاق» نیز گفته می‌شود (شاطبی، ۱۴۱۷، ۱۱/۲).

اهمیت و جایگاه تحسینیات بدان دلیل است که موجب کمال و حسن اخلاق عمومی می‌گردد و اهتمام بدان مردم را در بالاترین سطح زندگی صیانت می‌کند و اطمینان از تحقق کامل ضروریات و حاجیّات را برای عموم جامعه به ارمغان می‌آورد. لازم به ذکر است، به دلیل تقدّم ضروریات و حاجیّات بر تحسینیات، در صورت تعارض آنها، ضروریات و سپس حاجیّات مقدم خواهند شد (ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۲۰/۵۳۰؛ ابن رشد، ۱۴۰۸، ۲/۱۹۳).

#### ۴-۲-۲- مکملات

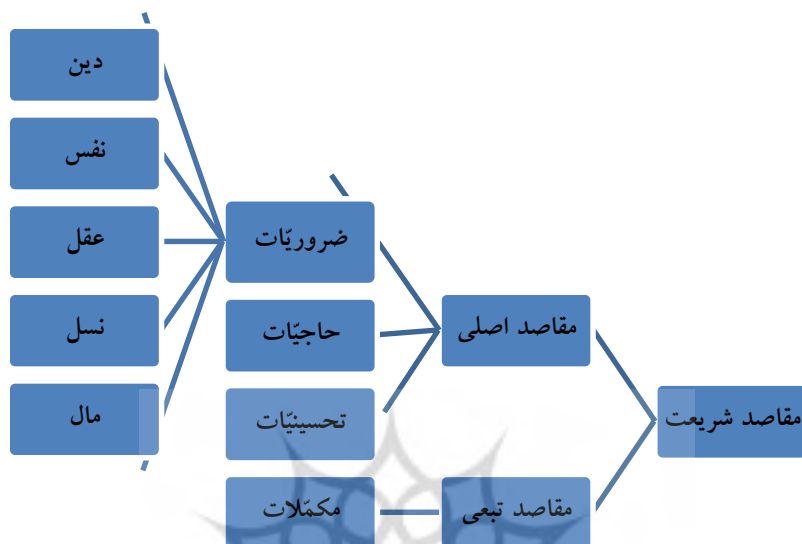
چنانکه گذشت، مقاصد شریعت در فقه اسلامی، با رعایت اولویت و اهمیت، در سه



مرتبه ضروریات، حاجیات و تحسینات، قرار می‌گیرند. برای تحقق این امور و ضمانت اجرایی این اهداف سه گانه، مکملاتی در نظر گرفته شده است که مقدمه رسیدن به مقاصد شریعت می‌باشند. به عبارت دیگر مکملات عبارت است از قوانین و ضوابطی که در شریعت اسلام برای تحقق و وصول به مقاصد شریعت وضع شده است. برای مثال، مکملات ضروریات را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

مکملات ضرورت حفظ دین، اموری چون حرمت بدعت، وجوب اتباع از نصوص، وجوب تبلیغ دین، وجوب التزام به جمع، و... می‌باشد، چنانکه برای حفظ جان، حرمت قتل، وجوب و حق قصاص، دیه و... تشریح شده و تحریم خمر و مسکرات برای حفظ عقل، حرمت نگاه نامشروع و زنا برای حفظ نسل و عرض، وجوب اِشهاد در معاملات و حرمت ربا و... برای حفظ مال در نظر گرفته شده‌اند (آمدی، بی‌تا، ۳/ ۲۷؛ ابن‌حاجب، ۱۴۰۳، ۲/ ۲۴۰).

مکملات بیانگر آن است که در فقه اسلامی ضمن آنکه اولویت‌ها و امور از حیث اهمیت از همدیگر تفکیک شده و جایگاه ارزشی مسائل اجتماعی مشخص شده است، راهکارها و طرق حفظ و صیانت آنها نیز مورد تأکید قرار گرفته است و دسته‌بندی قوانین ناظر بدانها، به فقیه کمک می‌کند تا با اشراف بر مقاصد شریعت، با اطمینان بیشتری اولویتها را تشخیص دهد و با در دست داشتن ضوابط به تطبیق عملی فقه اسلامی در جامعه بپردازد.



نمودار شماره ۱. انواع و جایگاه مقاصد شریعت در فقه اسلامی

وجه ارتباط مکملات با موضوع قاجاق کالا و ارز، آن است که پس از تفکیک انواع قاجاق از نگاه مقاصد شریعت و تبیین حکم هر قسم، لازم است قانونگذار نیز به وضع قوانین متناسب به هر بخش بپردازد تا ضمن رعایت تناسب جرم با مجازات، زمینه بازدارندگی و تحقق مقاصد را فراهم آورد.

پس از اشاره کلی به مقاصد شریعت و انواع آن، به صورت گذار به مفهوم شناسی قاجاق و انواع آن، اشاره خواهد شد و سپس به تطبیق عملی دو حوزه مقاصد شریعت و قاجاق کالا و ارز اقدام می‌گردد.

### ۳. قاجاق کالا و ارز

قاجاق از موضوعاتی است که از دیرباز مطرح بوده و همواره مشکلات متعددی را برای



سیستم‌های حکومتی و قضایی ایجاد کرده و به مرور زمان و با پیشرفت روابط تجاری، تنوع تولیدات صنعتی و گسترش و تسهیل نقل و انتقال کالا، افزایش تقاضای مصرف مردم و رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و... به تدریج بر پیچیده شدن معضل قاچاق کالا افزوده، تا جاییکه در برخی از جوامع و کشورها به بحرانی تبدیل شده و آسیب‌های متعددی برای صنایع و تولیدات داخلی ایجاد کرده است.

«قاچاق»<sup>۱</sup> در لغت واژه‌ای ترکی بوده که از دو بخش «قاچ» و «آق» تشکیل شده است. قاچ در زبان ترکی، فعل گذشته به معنای «دوید» می‌باشد و پسوند «آق»، پسوند مصدر ساز بوده و به واژه، معنای مصدری می‌دهد. با این توضیح معنای لغوی قاچاق، «دویدن و فرار کردن» می‌باشد که به مرور توسع معنایی پیدا کرده و به هر کاری که با تفنّن و زیرکی انجام شود و از دید مردم پنهان بماند گفته شده، چنانکه بعدها این واژه به معنای وارد کردن متاع یا کالایی که در انحصار دولت بوده و یا منع قانونی داشته، اطلاق گردیده است (دهخدا، ۱۳۳۹، ۱۸/۳۸؛ معین، ۱۳۷۳، ۷۸۴).

قاچاق در متون و نظام حقوقی ایران دارای معانی متعدد می‌باشد. این واژه گاه در معنایی وسیع و گاه در معنای محدود به کار برده می‌شود. شاید بتوان معنای وسیع قاچاق را مربوط به زمان آغاز قانونگذاری در ایران دانست. در آغاز تدوین قانون در ایران، واژه کالای قاچاق، به هر کالایی که عوارض و مالیاتهای متعلق بدان پرداخت نمی‌شد و یا به وارد کردن هر کالایی که در انحصار دولت بوده را شامل می‌شد. چنانکه در مواد ۳۶ و ۲۸۱ قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام، مصوب ذیقعد سال ۱۳۲۵ قمری معنای موسع کالای قاچاق مد نظر بوده است.

در مواردی که برخی کالاها به دلیل شرایط زمانی از حساسیت خاصی برخوردار بوده‌اند، نیز به صورت دوره‌ای، کالایی جزو کالاهای قاچاق به شمار آمده است.

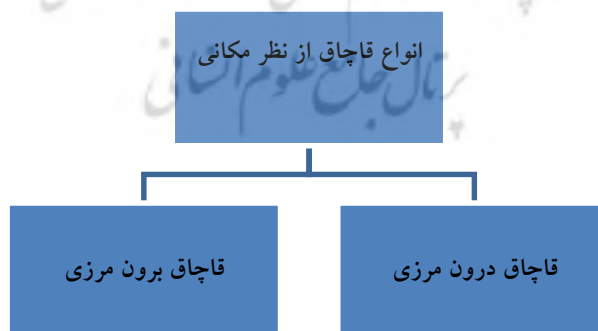


چنانکه در قانون انحصار نمک سال ۱۳۲۸ هـ.ق. تولید و فروش نمک در انحصار دولت قرار داده شد و خرید و فروش آن ممنوع اعلام گردید. لازم به ذکر است که در ماده ۱۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، هر کالایی که مالیات آن پرداخت نشده باشد، جزو کالاهای قاچاق معرفی شده است.

از جمله تعاریفی که معنای محدود کالای قاچاق را در نظر دارد، می‌توان به ماده ۳۴ قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ هـ.ق. اشاره کرد که در آن کالای قاچاق را کالاهایی دانسته‌اند که برخلاف قوانین و مقررات حمل و نقل از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال داده می‌شود به صورتی که ناقض محدودیت و یا ممنوعیت باشد. لازم به ذکر است واژه «قاچاق» در قوانین مختلف، تعاریف مختلفی برای آن ذکر شده است که این تفاوت در عمل مشکلاتی برای تفسیر و تطبیق قوانین ایجاد کرده است.

### ۳-۱. انواع قاچاق

قاچاق را می‌توان به اعتبارهای متفاوتی تقسیم‌بندی کرد. برای مثال از نظر مکانی دو نوع قاچاق کالا وجود دارد. قاچاق درون مرزی (داخلی) که در آن افراد مبادرت به حمل و نقل کالای ممنوع در داخل مرزهای سیاسی یک کشور دارند. قاچاق برون مرزی (خارجی) که در آن کالاها و مواد قاچاق به خارج از مرزهای یک کشور انتقال داده می‌شود.



## نمودار شماره ۲. انواع قاچاق از نظر مکانی

قاچاق از نظر کالا و محموله قاچاق نیز دسته‌بندی دیگری است که به نظر می‌رسد با ماهیت بحث فقهی قاچاق کالا تناسب بیشتری داشت و در دسته‌بندی مقاصد شریعت و انطباق آن بر موضوع قاچاق کالا سودمندتر می‌باشد. بر این اساس می‌توان کالاها را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

### ۱-۱-۳. قاچاق کالاهای حرام<sup>۱</sup>

این دسته شامل قاچاق کالاهایی می‌شوند که از نگاه شرعی مالیت نداشته و یا به دلیل نجاست و پیامدهای ناگوار، خرید و فروششان از نگاه فقهی حرام می‌باشد. از بارزترین مصادیق این نوع قاچاق کالا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. قاچاق انسان<sup>۲</sup>: با وجود پیشرفتهای جدید در عصر حاضر، اما بردگی نوین در پوششی جدید هنوز در جامعه بشری وجود دارد و سالانه هزاران زن، کودک و مرد در جهان قاچاق می‌شوند. لازم به ذکر است که در مواردی افراد به امید زندگی بهتر و مطمئن تر برای خود و فرزندانشان به صورت غیر قانونی از مرزها می‌گریزند که این مورد نیز از جمله مصادیق قاچاق انسان می‌باشد، هر چند در بحث حاضر بیشتر ناظر به خرید و فروش انسانهای بی بضاعت و بی پناه برای کار و خدمات مختلف می‌باشد. هر دو صورت قاچاق انسان، ثروت هنگفتی را به جیب دلالتان انسان سرازیر کرده و در موارد متعددی، افراد پس از گرفتن پول، انسانها را در دل دریا یا بیابان رها کرده و به سرنوشتی نامعلوم می‌سپارند.

بر اساس قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور، کسی که فردی را از مرز عبور دهد یا موجبات آن را فراهم نماید، مجرم شناخته شده و در



۱. Smuggle of Haram (illegal) commodities

۲. Smuggle of Human

صورتی که عمل او منحل به امانت باشد، و در حد محاربه و افساد فی الأرض نباشد، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود. در این خصوص اگر شخص عبور داده شده، ممنوعیت قانونی داشته باشد، مجرم به دو تا هشت سال حبس و جریمه نقدی از ۲۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم می‌شود و اگر محکومیت کیفری داشته باشد، به ۲ تا ۴ سال حبس محکوم می‌شود. عبور دهندگان کودکان غیربالغ ۳ تا ۵ سال حبس و در غیر موارد مذکور به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شوند (ماده یک قانون مجازات عبوردهندگان غیر مجاز).

**۲. قاچاق مواد افیونی و مواد مخدر:** یکی از پررونق‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین انواع تجارت در دنیای امروز، تجارت مواد افیونی و مخدر است که تهدید جهانی به شمار آمده و مقدمه بسیاری از معضلات اجتماعی یا مفاسد دیگر می‌گردد. ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و سوق الجیشی در منطقه که به مثابه درگاه ارتباط غرب آسیا به کشورهای اروپایی می‌باشد، به طور طبیعی به معضل قاچاق مواد مخدر وارد می‌شود.

با توجه به اهمیت و حساسیت مواد مخدر، بر اساس ماده ۱۷ قانون تشدید، به پرونده‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و بر اساس ماده ۱۲ قانون مذکور، پروانه کسب محل فروش مواد مخدر بلافاصله توقیف و در صورت محکومیت متهم، اموال و سرقفلی آن به نفع دولت مصادره خواهد شد.

در این مورد، مواد افیونی نیز بر اساس ماده ۲۶ تا ۳۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، خرید و فروش، تهیه و نگهداری، حمل و نقل انواع توتون، سیگار، انقیه، و انواع کاغذ سیگار و ابزار و ادوات مربوط به آن، به موجب قانون اصلاحی انحصار دخانیات مصورت ۱۳۰۹ هـ. ق.، در انحصار دولت قرار داشته، لذا در صورت تولید و یا تهیه ابزارهای

دخانیات، مجرم تلقی شده و مرتکب آن به مجازات‌های ذکر شده، مجرم به شمار آمده و مجازات‌های مقرر در مورد او به اجراء می‌گردد.

**۳. قاچاق مشروبات الکلی<sup>۱</sup>:** مشروبات الکلی پیش از انقلاب جزو کالاهای مجاز بوده و دارای ارزش مالی و مادی بوده و همچون سایر کالاها مشمول مقررات عمومی قاچاق قرار گرفته و مجازات خاصی برای آن پیش بینی نشده بود و مجرم بر اساس قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ هـ. ق. و اصلاحیه‌های آن، قاچاقچی مشروبات الکلی به حبس و دو برابر بهای نقدی کالا محکوم می‌شدند.

پس از انقلاب قوانین مربوط به قاچاق مشروبات الکلی با فراز و نشیب‌هایی همراه بود و در ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، قانونگذار برای هر کسی که به تولید، فروش و وارد کردن مشروبات الکلی بپردازد، مجازات سه ماه تا یک سال حبس و هفتاد ضربه شلاق و جزای نقدی با یک یا دو مورد از آنها را در نظر گرفت. این قانون در سال ۱۳۸۷ و سپس در دی ماه سال ۱۳۹۲ مورد بازبینی قرار گرفت که در قانون اخیر مجازات مجرم بر اساس میزان مشروبات در نظر گرفته شده و در صورت افزایش میزان کالای قاچاق شده، میزان و شدت جریمه افزایش پیدا می‌کند (مواد ۲۳ و ۲۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب دی ماه سال ۱۳۹۲).

این سه دسته از اقسام کالاها را می‌توان از مصادیق بارز کالاهای حرام دانست که خرید و فروش آنها از نگاه فقهی حرام و یا ناجایز می‌باشد.

### ۲-۱-۳- قاچاق کالاهای حلال<sup>۲</sup>

دسته دوم از کالاهای قاچاق، کالاهایی است که از نگاه شرعی مالیت داشته و خرید و فروش آنها بدون مانع می‌باشد. این دسته نیز به نوبه خود به دو دسته دیگر قابل



۱. Smuggle of Alchaholic Drinks

۲. Smuggle of Halal (legal) commodities

تقسیم می‌باشد:

– کالاهایی که از نگاه قانون کشور، خرید و فروش آنها ممنوع بوده و شامل اصنافی همچون اسلحه، آثار ملی و عتیقه جات می‌باشد (کالاهای ممنوع).  
– کالاهایی که از نگاه قانونی خرید و فروش آنها جایز بوده، اما به دلیل کمک به اقتصاد داخلی و یا حفظ نظم و دیگر عوامل، واردات و یا صادرات آن ممنوع اعلام شده است (کالاهای مجاز).

احکام قانونی هر صنف از اصناف مذکور مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. **کالاهای ممنوع**<sup>۱</sup>: این دسته از کالاها از نگاه شرعی ممانعت و محدودیتی برای خرید و فروش آنها وجود ندارد، اما در قانون مجازات‌ها برخوردهایی با این افراد در نظر گرفته شده است. از بارزترین مصادیق این نوع معاملات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– **قاچاق سلاح**<sup>۲</sup>: قاچاق اسلحه عبارتست از وارد کردن، صادر کردن، خرید و فروش، حمل و نقل، نگهداری، مخفی کردن اسلحه در داخل کشور. از نگاه قانونی وارد کردن اسلحه جنگی و شکاری، و لوازم و ادوات آن ممنوع بوده و تنها با موافقت دولت جایز می‌باشد و در صورت وارد کردن یا صادر نمودن یکی از این اشیاء، یک یا چند نفری که به این کار اقدام کرده‌اند، به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردند:  
– در صورت مسلح بودن و مقاومت مسلحانه به اعدام و در صورت عدم مقاومت به حبس ابد با کار از سه تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شوند.

– در صورت مسلح نبودن و داشتن تفنگ جنگی و مواد منفجره، به حبس با کار، از سه تا ده سال و در مورد اسلحه و مهمات شکاری به حبس عادی از سه ماه تا سه سال

۱. Smuggle of Forbidden commodities (in the case of law)

۲. Smuggle Of Gun

محکوم می‌شوند ( ماده یک قانون تشدید مجازات اسلامی).

- **قاچاق آثار ملی و عقیقه**<sup>۱</sup>: از دیگر موارد قاچاق آثار ملی و عقیقه می‌باشد. در تعریف آثار ملی آمده است که کلیه آثار صنعتی، ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره زندیه در مملکت ایران احداث شده، اعم از منقول و غیر منقول، با رعایت ماده ۱۳ این قانون، جزئی از آثار ملی ایران محسوب شده و تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشند ( ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی).

به دلیل اهمیت این دسته از آثار و اهتمام قانونگذار به حفظ آن سفارش نموده و دست اندرکاران تقلب و یا قاچاق در این زمینه را محکوم کرده است. چنانکه در این باره اینگونه وضع شده است: هر گونه اقدام به خارج نمودن اموال تاریخی - فرهنگی، هر چند به خارج کردن آن از کشور نینجامد، قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر ارزش کالا قاچاق شده محکوم می‌گردد. همچنین سرقت این نوع اموال نیز از اماکن مذهبی، تاریخی و سایر اماکن تحت حفاظت دولت و نیز خرید و اختفای این نوع اعمال با علم به مسروقه بودن آن، در صورتی که مضمول حد سرقت نگردد، موجب استرداد اموال و دو تا پنج سال حبس برای این افراد در نظر گرفته شده است. (ماده دو قانون الحاقیه ماده ۱۲۷ مکرر به قانون مجازات عمومی).

**۲. قاچاق کالاهای مجاز**<sup>۲</sup>: منظور از این دسته کالاهایی است که از نگاه اجتماعی و عرفی محدودیتی برای خرید و فروش آنها وجود ندارد، اما به دلیل شرایط و تدابیری خاص، خروج بی هماهنگی آن موجب بحران و اتلاف می‌گردد. مهم ترین موارد این دسته از کالاهای قاچاق را می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد:



۱. Smuggle of National Relic and Antique

۲. Smuggle of permitted commodities (in the case of law)

- **قاچاق ارز**<sup>۱</sup>: از جمله انواع قاچاق که به دلیل نوسانات اقتصادی، سود سرشاری را برای سهام داران به ارمغان می‌آورد، قاچاق ارز می‌باشد. «ارز» در قانون ایران عبارتست از پول رایج کشور خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی که در مبادلات مالی کاربرد دارد (ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

لازم به ذکر است در قانون ایران هر نوع حمل و نقل یا خرید و فروش ارز از مصادیق قاچاق کالا به شمار نمی‌آید؛ بلکه بر اساس ماده ۶ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین می‌کند که ارزشهای خارج از ضوابط تعیین شده ارز غیر مجاز به شمار آمده و خرید و فروش، حمل و یا حواله ارز غیر مجاز و خارج از ضوابط تعیین شده و خارج کردن آن از کشور ممنوع بوده و مصداق قاچاق ارز می‌باشد.

در صورت ثبوت قاچاق ارز، ابتدا اموال قاچاق از متخلفان و قاچاقچیان اخذ، و پس از فروش آن بر اساس نرخ بانک مرکزی، ۵۰ درصد به سازمانهای کاشف و کاشفین، ۴۰ درصد به خزانه دولت و ۱۰ درصد باقیمانده به امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص پیدا می‌کند (ماده ۷ قانون اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز).

- **قاچاق کالاهای تجاری**<sup>۲</sup>: یکی از شایع ترین انواع قاچاق، قاچاق کالاهای تجاری می‌باشد که علل متعددی همچون نیاز مالی، تقاضای بازار داخلی، صرفه اقتصادی خرید کالای خارجی، کیفیت خاص کالاهای وارداتی، و... سبب تمایل مردم به این نوع قاچاق کالا می‌شود. در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی بیان

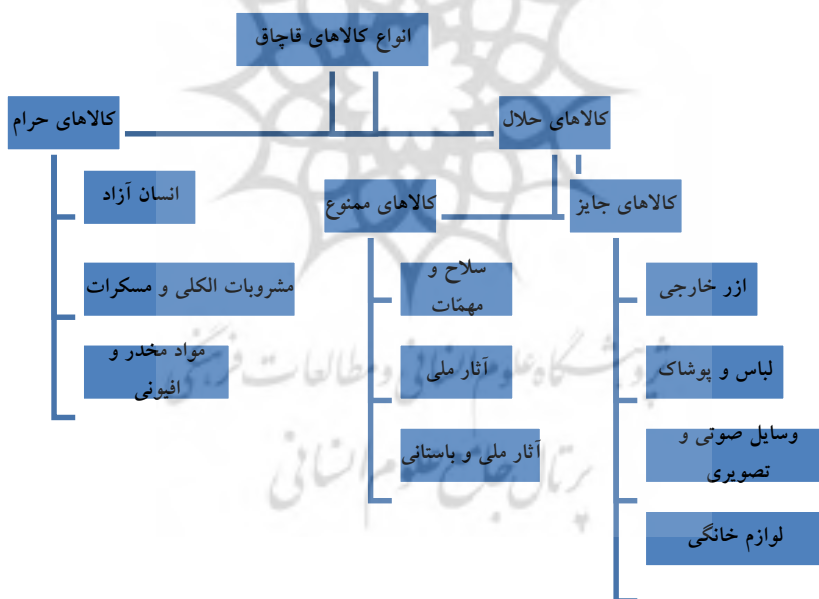
۱. Smuggle of Change

۲. Smuggle of Commodities



شده است که وارد نمودن هر یک از اجناس خارجی به خاک ایران، علاوه بر اجرای مقررات انحصار تجارت خارجی، مشروط به تأدیه حقوق و عوارض در زمان ورود می‌باشد. کلیه اجناسی که بر خلاف مقررات مملکت وارد می‌شوند، قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته خواهند شد و مرتکبین به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شوند (مواد ۱۰ - ۱۲ قانون اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی).

با برر سی انواع کلی قاچاق کالا و ارز و مجازاتها و قوانین مربوط بدانها، مشخص می‌شود که قانونگذار نیز در تقنین هدفمندانه عمل نموده و در مواردی که قاچاق کالا با خطر و تهدید اجتماعی بیشتری همراه بوده و پیامدهای ناگوارتری به همراه داشته، با وضع مجازات‌های سنگین‌تر، زمینه ارتکاب آن را محدودتر ساخته است که تأمل در کیفیت کیفر نشاندهنده ارزش گذاری و حساسیت قانونگذار بر انواع قاچاق می‌باشد.



نمودار شماره ۳. تقسیم‌بندی انواع کالاهای قاچاق

#### ۴. تطبیق مقاصد شریعت با مسأله انواع قاچاق

قبل از شروع بحث لازم است، اصلی مهم در باب احکام شرعی بیان گردد و آن اصل انعطاف پذیری و نسبت در احکام فقهی اسلام می‌باشد. انعطاف پذیری و نسبت در احکام بدان معناست که در شرایط مختلف یک موضوع می‌تواند دارای احکام مختلفی باشد که در نگاه اول نوعی تعارض و تضاد را به ذهن متبادر کند، اما با لختی درنگ و تأمل مشخص می‌شود هدفی که در ورای احکام قرار داشته ثابت بوده، ولی به دلیل شرایط مختلف احکام آن تغییر کرده است. برای مثال هدف از تشکیل خانواده و ازدواج، حفظ ارزش‌های اخلاقی، ازدیاد نسل، آرامش و سلامت اخلاقی جامعه می‌باشد، اما این اهداف در حالت‌های مختلف و برای اشخاص متفاوت احکام گوناگونی خواهد داشت. برای مثال ازدواج برای شخصی واجب بوده چون اهداف فوق را محقق می‌کند، اما ازدواج با محارم برای این شخص حرام می‌باشد، چون مفسده و پیامدهای بسیار ناگواری داشته و حریم‌هایی را از بین می‌برد که نمی‌تواند منافع مختصر آن را توجیه نماید.

در باب قاچاق کالا نیز این رویکرد وجود دارد. بدین معنا که هدف از وضع حدود و گمرک، علاوه بر امنیت و انضباط داخلی، کمک به اقتصاد بومی و تولید ملی می‌باشد؛ بنابراین امکان دارد در دوره‌ای از زمان به دلیل شرایط خاص داخلی، کشوری مجبور شود واردات کالایی را آزاد نماید؛ اما در زمان دیگر که نیاز مرتفع شده است، از واردات همان کالا ممانعت نماید و این تغییر حکم به معنای تعارض قانونگذار در تقنین نمی‌باشد بلکه راه‌های رسیدن به هدف واحد، متفاوت بوده است. به عبارت دیگر، لازمه تغییر قوانین، تعارض و یا تضاد و تزلزل قانونگذار نداشته، بلکه نشاندهنده تحقق اهداف واحد با احکام متفاوت در شرایط زمانی مختلف است.

در بخش اول، مفهوم مقاصد شریعت مشخص گشت و بیان شد که هدف از مقاصد شریعت جلب منفعت و دفع مفسده می‌باشد که این هدف، با توجه به اولویت و اهمیت



امور، در سه مرتبه ضروریات، حاجیات و تحسینات مورد بررسی فقها و اصولیان قرار گرفته اند. همچنین بیان شد که کالاهای قاچاق به دو دسته حلال و حرام تقسیم می شوند. کالاهای حلال عبارتست از کالاهایی که در فقه اسلامی اوصاف مبیع را داشته و امکان نقل و انتقال آنها وجود دارد. از شروط مبیع در فقه اسلامی، قابلیت تملک، طهارت و پاکی عین، قابلیت انتقال، قابلیت انتفاع حلال، امکان تسلیم و... می باشد (رملی، نهاییه المحتاج، ۳۹۳/۳، بهوتی، کشف القناع، ۱۶۲/۳). براساس حجیت مفهوم، اگر کالایی یکی از اوصاف مذکور را نداشته باشد، از نگاه اسلامی مبیع قلمداد نمی گردد، لذا ملک نبودن، نجس نبودن، عدم قابلیت انتفاع حلال، تعذر تسلیم و... از اموری خواهند بود که منجر به بطلان بیع کالا می گردند و اگر بیع کالایی حرام باشد، به طریق اولی، قاچاق آن نیز حرام می باشد. انسان ابتداء آزاد بوده و تحت ملکیت کسی قرار ندارد و نصوص دینی بر آزادی و آزادمنشی انسان بسیار تأکید دارند. بنابر این تجارت و قاچاق انسان آزاد به دلیل منافات با اهداف شریعت و عدم وجود اوصاف مبیع باطل و حرام بوده و نمی توان آن را جزو بیوع شرعی دانست. از اینرو در قانون و حقوق بشر نیز تجارت انسان ممنوع و غیر قانونی اعلام شده است. از سوی دیگر، قاچاق انسان از منظر مقاصد شریعت، یکی از ضروریات خمسسه را تهدید می کند و آن ضرورت حفظ جان و نفس می باشد. با توجه به آنکه قاچاقچیان برای فرار نیروهای امنیتی و انتظامی، غالباً انسان ها را از مسیرهای صعب العبور و با امکانات اندک عبور می دهند، این امر در غالب موارد موجب تهدید جان انسان ها می گردد و با ضرورت حفظ جان در تعارض می باشد. همچنین شواهد و واقعیات بیانگر آن است که در موارد متعددی قاچاقچیان، انسان ها را در دریا یا بیابان رها کرده و این امر موجب هلاکت بسیاری شده و جان بسیاری را گرفته است و توجیهی برای به خطر انداختن جان انسان ها در این موارد وجود ندارد. گذشته از این پذیرش جواز قاچاق انسان، موجب عسر و حرج بوده و با اخلاق والا و حیات کریمانه در تعارض می باشد که از منظر حاجیات و تحسینات نیز قابل توجیه نمیشد.

حاصل سخن آنکه قاچاق انسان با همه مقاصد شریعت منافات داشته و پذیرش آن تنها منافع ناچیزی را نصیب عده‌ای معدود می‌کند و مفسد فراوانی را به دنبال دارد. در باب قاچاق مشروبات الکلی و مواد افیونی نیز می‌توان گفت از نگاه مقاصد شریعت نه تنها قاچاق کالا جایز نمی‌باشد، بلکه حتی تجارت و خرید و فروش این کالاها حرام بوده و بیع آنها ناجایز است. چنانکه اشاره شد، از شروط مبیع در فقه اسلامی، طهارت عین و امکان انتفاع حلال می‌باشد که مشروبات الکلی همچون خمر، از نگاه اسلامی نجس بوده و همچنین مواد مخدر و افیونی امکان استفاده صحیح و انتفاع حلال - به ویژه در حالات قاچاق این مواد - در باره آنها متصور نمی‌باشد؛ لذا بیع و به طریق اولی قاچاق آنها با مقاصد شریعت منافات دارد. توضیح اینکه حفظ جان و عقل از ضروریات خمس در مقاصد شریعت بوده که مصرف مشروبات الکلی و مواد افیونی در درجه اول عقل انسان را که ممیزه او از حیوان بوده، زائل ساخته و تداوم مصرف و استعمال آنها، سلامت و حیات انسان را با تهدید مواجه می‌سازد. از اینرو این نوع قاچاق با ضروریات در تعارض بوده و امکان جمع آن با ضوابط و چهارچوبهای اسلامی وجود ندارد.

سوالی که به ذهن متبادر می‌شود، آن است که در موارد معدودی، مشروبات الکلی و مواد مخدر استفاده دارویی از آنها صورت می‌گیرد، آیا توجه به این مطلب می‌تواند تجارت و یا قاچاق آنها را توجیه نماید؟ در پاسخ به این سوال باید گفت بر اساس حدیث «إن الله أنزل الداء و الدواء و جعل لكل داء دواء، فتداووا و لا تداووا بالحرام» (ابونعیم اصفهانی، ۲۰۰۶، ۱/۱۹۹)، خداوند شفاء و داروها را در حرام قرار نداده است؛ ولی اگر به علت جهل انسان به داروهای حلال و شفابخش، استفاده از داروهای حلال امکان نداشته باشد، می‌توان بر اساس قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» از این اقلام برای تداوی استفاده نمود، مشروط به آنکه استعمال و مصرف آنها در حد تداوی باقی بماند چون بر اساس قاعده «الضرورات تقدر بقدرها»، در اسلام هنگام رفع اضطرار،

احکام به حالت اصلی باز می‌گردند. با این وصف، پذیرش تداوی نیز نمی‌تواند ذریعه ای برای پذیرش قاچاق مشروبات الکلی و مواد افیونی باشد، چون حکومت اسلامی به ضرورت استفاده دارویی از این اقلام واقف بوده و موظف است به طریق رسمی و قانونی به تهیه این اجناس اقدام نماید و آنها را در اختیار مراکز دارویی قرار دهد و مراکز دارویی نیز به صورت کنترل شده، داروها را در اختیار مردم قرار دهند. بر اساس مقدمات گفته شده، دولت اسلامی موظف است بر اساس تحقق مکملات، برای رفع حرج تدابیری را برای آسایش و سلامت جسمی و روحی جامعه بیندیشد و در قالب قوانین و ضوابطی آنها را به مراکز و مراجع ذیربط ابلاغ نماید.

حاصل سخن آنکه، قاچاق کالاهای حرام به دلیل مفسده ذاتی که در آنها وجود دارد، از نگاه مقاصد شریعت قابل پذیرش نمی‌باشند.

چنانکه گفته شد، کالاهای حلال، از نگاه قانونی به دو دسته ممنوع و جایز تقسیم می‌شوند، کالاهای ممنوع که شامل کالاهایی همچون اسلحه، آثار ملی و عقیقه می‌باشد و خرید و فروش این کالاها به صورت عادی ممنوع بوده و با خاطیان برخورد قانونی صورت می‌گیرد، و در مقابل کالاهای مجاز به کالاهایی اطلاق می‌شود که از نگاه قانونی، تجارت و دادو ستد آنها با ممنوعیت مواجه نمی‌باشند و کالاهایی همچون: لوازم خانگی، لوازم صوتی و تصویری، لوازم پزشکی، پوشاک و ... را در بر می‌گیرد.

تجارت کالاهای ممنوع به صورت ابتدایی از نگاه شرعی جایز می‌باشد، اما حاکم جامعه می‌تواند به دلیل اقتران آن با شرایطی یا منافات آن با مصالح و منافع ملی، تجارت آنها را ممنوع اعلام نماید. وجود سلاح در گذشته در غالب منازل امری بسیار رایج و معمول بود که جزو حقوق بدیهی و اولیه به شمار می‌آمد و حتی عدم وجود سلاح در خانه، نوعاً نشانه عدم اهتمام به حفظ کیان و حریم خانه قلمداد می‌شد؛ اما با پیدایش سلاح گرم و قدرت کشندگی بالای آن، به دلیل استفاده نابجا از آن، در برخی جوامع استفاده عمومی و خرید و فروش آزادانه آن ممنوع گشت و برای افرادی که به

صورت پنهانی و قاچاق به فروش آن اقدام می‌کردند، مجازاتهای بازدارنده‌ای در نظر گرفته شد. بر این اساس، هر گاه خرید و فروش سلاح، موجب فساد یا سوء استفاده و تهدید ضروریاتی چون جان، مال، نسل و ... گردد و یا موجب سخت شدن زندگی اجتماعی شود؛ می‌توان از باب تعارض با ضروریات و حاجیات، حکم عدم جواز خرید و فروش این اسلحه را صادر کرد و حاکم می‌تواند با این پدیده از منظر مقاصد شریعت برخورد نماید.

در باب خرید و فروش اموال ملی و عتیقه نیز همین ضوابط حاکم می‌باشد. بدین معنا که هر چند مانعی شرعی برای تجارت و داد و ستد آنها وجود ندارد، اما قانونگذار می‌تواند، به عنوان نماینده مردم، با استناد به ضرورت حفظ اموال عمومی و ثروت همگانی، ممنوعیت خرید و فروش این اقلام را تصویب نماید و به طریق اولی این امکان را خواهد داشت که با قاچاق آنها مبارزه کند.

حفظ استقلال و تمامیت ارضی یک جامعه از لوازم بقاء و قوام اجتماع می‌باشد. از راهکارهایی که می‌تواند این هدف را محقق سازد، خودکفایی جامعه در امر تولید و صنعت می‌باشد. برخی از کشورها به دلیل شرایط جغرافیایی و آب و هوایی امکان خودکفایی در همه زمینه‌ها را نداشته، بنابراین، با استفاده بهینه از وضعیت موجود، سعی در آن دارند که در حوزه خاصی از تکنولوژی، صنعت و یا کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و با صادر کردن آن بتوانند واردات مورد نیاز خود را تهیه کنند. ایران کشوری است که به دلیل وسعت جغرافیایی و تنوع اقلیمی، می‌تواند - در صورت مدیریت صحیح - کشوری خودکفا و مستقل باشد، که استقلال یک جامعه می‌تواند در بخش حاجیات و تحسینات مقاصد شریعت می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. بنابراین قانونگذار می‌تواند به دلیل حمایت از تولید داخلی و برای تقویت پایه‌های اقتصاد ملی، از وارد کردن کالاهای خارجی ممانعت به عمل آورده و با قاچاقچیان این کالاها برخورد نماید و با این کار زمینه استقلال همه جانبه، تولید و اقتصادی پویاتر را فراهم



سازد.

بدیهی است که در طرف مقابل نیز، تولیدکنندگان داخلی باید موظف گردند که با بالا بردن مداوم سطح کیفی تولیدات و رقابت صحیح و سالم، انتظارات و اهداف قانونگذار از تحریم کالاهای خارجی را فراهم سازند؛ چون در غیر این صورت، عدم اجازه به وارد کردن کالاهای خارجی و الزام مردم به خرید کالاهای داخلی بی کیفیت و با قیمت بالا، نه تنها موجب بی اعتمادی مردم به قانونگذار شده، بلکه بالا رفتن سطح اعتراضات و ناراضی عمومی، سبب ضعف حکومت اسلامی و فساد اقتصادی و سوء استفاده اقشاری اندک از محدودیت‌های قانونی می‌گردد.

چنانکه اشاره شد، برخی از فقها مکملات را به عنوان تکمیل کننده موضوع مقاصد شریعت قرار داده و در این بخش به بیان قوانین و ضوابطی پرداخته اند، که شارع در راستای تحقق مقاصد وضع نموده است. برای تکمیل بحث می‌توان موارد زیر را به عنوان مکملات مقاصد شریعت در حوزه قاچاق کالا و ارز بیان نمود:

- هدف قانونگذار در وضع قوانین در حوزه قاچاق کالا و ارز باید منافع و مصالح عموم جامعه باشد و تنظیم قوانین باید در راستای اهداف عمومی صورت گیرد، در غیر این صورت قانون به ابزاری برای سوء استفاده از عده‌ای قلیلی تبدیل می‌شود که برای بالا بردن سطح ثروت و امکانات خویش، در پوشش قانون سعی در استثمار جامعه دارند.

- مصلحت و مفسده‌ای که بر اساس آن ضوابط و مجازات‌هایی برای قاچاق کالا و ارز در نظر گرفته می‌شود، باید مصلح و مفسده حقیقی باشد نه احتمالی و فرضی. بدان معنا که قانونگذار حق ندارد به ذریعه احتمال و یا فرض مفسده و یا منفعت غیر محقق مردم را از دستیابی به امکانات رفاهی و معیشتی خاصی فراهم کند و با این کار موجبات زندگی سخت به همراه عسر و حرج را برای مردم ایجاد نماید، چون تداوم

این روند سبب ایجاد بی اعتمادی بین ارکان جامعه گشته و به مرور موجب ضعف دولت می‌گردد. عدم توجه به این مقوله موجب نادیده گرفتن حاجیات و تحسینات خواهد گشت.

- قوانین موضوعه باید ضمانت اجرایی داشته باشد و با قاچاقچیان به صورت جدی و یکسان برخورد شود. از اموری که در اسلام و برخی سیستم‌های قانونگذاری بر آن تأکید می‌شود، اصل عمومی بودن مجازات‌ها می‌باشد. بر این اساس اگر با قاچاقچیان کلان و باندهای بزرگ - که گاه از امکانات عمومی دولت نیز برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند- برخورد نشود و قوانین صرفاً بر قاچاقچیان جزء اعمال گردد، سبب بی اعتبار شدن قانون و رواج قانون گریزی و ایجاد هرج و مرج در جامعه می‌گردد.

- بین نوع قاچاق و مجازات مربوط به آن رابطه منطقی و معقول وجود داشته باشد تا ضمن اطمینان از بازدارندگی از قاچاق، از برخورد یکسان با رفتارهای متفاوت که نوعا ناشی از بی درایتی در وضع و تدوین قوانین است جلوگیری شود.

- قوانین موضوعه در باب قاچاق کالا، در بردارنده ضرورت‌ها و واقعیت‌های جامعه باشد. از قوانین اسلامی که در قرآن بدان تصریح شده و مورد اتفاق مذاهب می‌باشد، قاعده «اضطرار» است. براساس این قاعده انسان در صورت ضرورت می‌تواند، در حد رفع ضرورت از امور حرام و ناجایز استفاده کند. براین اساس، اگر در مناطقی، مردم به دلیل ضرورت معیشت و عدم وجود فرصت شغلی و برای رفع نیازهای مادی خود، اقدام به وارد کردن برخی از کالاها نمایند، باید قانون برای این صنف از مردم، مجوز و یا تخفیفاتی در نظر بگیرد تا تشدد در اجرای عمومی قانون موجب فساد بزرگتر و تباهی بیشتر نگردد.

بدیهی است که اصول و معیارهای دیگری برای قوانین مربوط به قاچاق کالا و ارز وجود دارد که نمونه‌های ذکر شده، بخشی از آن می‌باشند و رعایت همه‌جانبه قوانین





اسلامی می‌تواند تضمین‌کننده مبارزه با قاچاق کالا و ارز در راستای تحقق مصالح عمومی و اقتصادی پویا و امنیت ملی باشد.

## ۵. نتیجه‌گیری

مقاصد شریعت علمی است که با تلاش در کشف غایات احکام و حکمت تشریح قوانین الهی، ضمن تفسیر غایت مدارانه از احکام فقهی، تلاش برای فهم فلسفه احکام داشته تا از این رهگذر، مجال تطبیق کشف احکام مسائل مستحدثت فراهم گردد. هدف از تدوین این علم آن است که در کنار علم دلالات الفاظ و طرق استنباط احکام که به جنبه ظاهری الفاظ و عبارات و شیوه تفسیر آنها می‌پردازد؛ به بیان اهداف شریعت و طبقه‌بندی آنها پرداخته تا مجتهد را در شناخت اولویت‌های جامعه یاری رساند و در تطبیق فقه در جامعه، مسائل غیر ضروری را بر مسائل مهم و بنیادین مقدم ندارد. بدین خاطر در مقاصد شریعت، مسائل فقه اسلامی در سه دسته ضروریات، حاجیات و تحسینات دسته‌بندی شده و جایگاه هر کدام از این مباحث مشخص گشته است. برای تحقق اهداف مذکور، قوانین و راهکارهایی را که بدانها منجر می‌شوند را مکملات نامیده‌اند.

قاچاق کالا و ارز از پدیده‌هایی است که از نگاه اقتصادی معضلات متعددی را برای جامعه به وجود آورده و علاوه بر خارج کردن قسمت زیادی از دارایی‌های ملی، موجب بیکاری و رواج مصرف‌گرایی در کشور شده است. از نگاه مقاصد شریعت، قاچاق کالا را می‌توان بر اساس نوع کالا و تطبیق آن با مقاصد شریعت به صورت زیر مورد بررسی قرار داد:

- دسته نخست، کالاهایی هستند که از نگاه اسلام خرید و فروش آنها حرام بوده و به دلیل پیامدهای ناگوار و آسیب‌های متعدد، در اسلام تجارت آنها ممنوع اعلام شده است. قاچاق انسان، قاچاق مشروبات الکلی و قاچاق مواد افیونی و مخدر را می‌توان

در این دسته جای داد. این دسته از موضوعات به دلیل تعارض با ضروریات مقاصد شریعت و از بین بردن ضرورت حفظ جان، عقل و مال از نگاه اسلامی قابل پذیرش نبوده و حکومت اسلامی باید با وضع قوانینی با این گونه از قاچاق برخورد نموده و زمینه آن را از بین ببرد.

- دسته دوم کالاهایی هستند که از نگاه شرعی تجارت آنها جایز می‌باشد اما از نگاه قانونی، ممنوعیت و محدودیت تجاری دارند. کالاهایی همچون اسلحه، ارز، آثار ملی، آثار عقیقه و باستانی را می‌توان نمونه ای از این نوع دانست. تجارت این دسته از کالاها از نگاه شرعی محدودیتی ندارد اما حاکم جامعه می‌تواند با استناد به حاجیات و در راستای حفظ ثروت ملی و ارزشهای تاریخی که در کنار ارزش مادی بالا، بیانگر هویت تاریخی یک ملت می‌باشند، قاچاق این دسته از کالاها را ممنوع اعلام کرده و با وضع قوانین متعدد با قاچاق در این حوزه مبارزه نماید.

- دسته سوم کالاهایی هستند که از نگاه شرعی و قانونی محدودیتی برای تجارت آنها وجود ندارد. از مصادیق بارز این دسته را می‌توان به کالاهایی همچون: وسایل خانگی، وسایل صوتی و تصویری، پوشاک و البسه، مواد غذایی و ... اشاره کرد. قانونگذار می‌تواند در راستای کمک به اقتصاد داخلی و ایجاد اشتغال ملی و تقویت تولید داخلی واردات این دسته از کالاها را ممنوع کرده و مبنای ممنوعیت این صنف از کالاها را می‌توان تحسینات در مقاصد شریعت دانست؛ چون از لوازم یک جامعه مستقل و مترقی، استقلال آن در زمینه‌های متعدد می‌باشد که این امر از تحسینات یک اجتماع می‌باشد.

- در باب مکملات نیز قانونگذار برای رسیدن به اهداف و مقاصد مذکور در سه قسم ضروریات، حاجیات و تحسینات، باید قوانین متناسب با هر حوزه را وضع نماید ضمن آنکه در وضع قوانین باید توجه داشته باشد که برای مبارزه با پدیده قاچاق از نگاه مقاصد شریعت، هدف باید مصالح عمومی مردم باشد و مصالح صنفی بر مصالح عمومی مقدم

نگردند که این امر و تداوم آن سبب بزرگتر شدن شکاف اقتصادی و افزایش فقر و بیکاری در جامعه می‌گردد. دیگر آنکه مصلحت و مفسده باید حقیقی و واقعی باشد، لذا جایز نیست قانونگذار برای مصالح غیرحقیقی مردم را از استفاده از امکانات و وسایل معیشتی بهتر محروم نماید. همچنین باید قوانین ضمانت اجرایی داشته و با همه قاچاقچیان به صورت قانونی برخورد شود. همچنین باید قانونگذار واقعیت‌های جامعه را در مبارزه با قاچاق کالا و ارز را در نظر داشته و قاچاقچیان که به دلیل اضطرار و نبودن فرصت شغلی مناسب، به وارد کردن کالاهایی محدود اقدام می‌کنند را به صورت ویژه و بر اساس قوانین خاص مورد توجه قرار دهد.



## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹). *لغتنامه ی دهخدا*. تهران. انتشارات سیروس.
۲. معین، محمد (۱۳۷۳). *فرهنگ معین* (پنجم). تهران. موسسه انتشارات امیرکبیر.

### ب) منابع عربی

۱. ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد جزری (۱۳۹۹). *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر* (اول). تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمد محمد الطناجی. بیروت. المكتبة العلمیه.
۲. ابن بدران، عبدالقادر بن احمد (۱۴۰۱). *المدخل الی مذهب الإمام احمد بن حنبل* (دوم). تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي. بیروت. مؤسسه الرساله.
۳. ابن تیمیه، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم حرانی (۱۴۱۶). *مجموع الفتاوی* (اول). تحقیق: عبدالرحمان بن محمد بن قاسم. مدینه. مجمع ملک فهد لطباعه المصحف الشریف.
۴. ابن حاجب، عثمان بن عمر بن ابوبکر (۱۴۰۳). *مختصر ابن الحاجب (مختصر المنتهی)* (دوم). بیروت. دار الکتب العلمیه.
۵. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد (۱۴۲۵). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*. قاهره. دار الحدیث.
۶. ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد قرطبی الجد (۱۴۰۸). *البيان والتحصيل و الشرح و التوجيه و التعلیل لمسائل المستخرجه* (دوم). تحقیق: محمد حجی و همکاران. بیروت. دار الغرب الإسلامی.
۷. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۷۸). *مقاصد الشریعه الإسلامیه*. تونس. مصنع الكتاب التونسیه.
۸. ابن فارس، احمد بن فارس رازی (۱۳۹۹). *معجم مقاییس اللغه*. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. دار الفكر.
۹. ابن قدامه، موفق الدین عبدالله بن احمد (بی تا). *المغنی*. قاهره. مكتبة القاهره.

١٠. ابن قيم، محمد بن ابوبكر بن ايوب (ابن جوزي) (١٤١١). **إعلام الموقعين عن رب العالمين** (اول). تحقيق: محمد عبدالسلام ابراهيم. بيروت. دار الكتب العلميه.
١١. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). **لسان العرب** (سوم). بيروت. دار صادر.
١٢. ابن همام سيواسي، كمال الدين محمد بن عبدالواحد (١٤٢١)، **التحرير في اصول الفقه مع التقرير و التحبير** (دوم). مصر. مطبعه مصطفى البابي الحلبي و اولاده.
١٣. ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله (٢٠٠٦). **الطب النبوي** (اول). تحقيق: مصطفى خضر دونمز التركي. دار ابن حزم
١٤. أرموي، سراج الدين محمود بن ابوبكر (١٤٠٨). **التحصيل من المحصول** (اول). تحقيق: عبدالحميد على ابى زفيد. بيروت. مؤسسه الرساله.
١٥. اسنوي، عبدالرحيم بن حسن بن على (١٤٠٠). **التمهيد في تخريج الفروع على الأصول** (اول). تحقيق: محمد حسن هيتو. بيروت. مؤسسه الرساله.
١٦. اشعري، ابوالحسن على بن اسماعيل (١٤٢٦). **مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين** (اول). تحقيق: نعيم زرزور. المكتبه العصريه.
١٧. آدمي، ابوالحسن على بن ابى على (بى تا). **الإحكام في أصول الأحكام**. تحقيق: عبدالرزاق عفيفي. بيروت. المكتب الإسلامى.
١٨. بابرقي، ابو عبدالله محمد بن محمد (بى تا). **العنايه شرح الهدايه**. بيروت. دار الفكر.
١٩. بهوتي، منصور بن يونس (بى تا). **كشاف القناع عن متن الإقناع**. بيروت. دار الكتب العلميه.
٢٠. بيضاوى، ناصرالدين عبدالله بن عمر (١٤١٨). **منهاج الوصول الى علم الأصول** (اول). بيروت. دار الكتب العلميه.
٢١. جرجاني، على بن محمد (١٤٠٣). **التعريفات** (اول). بيروت. دار الكتب العلميه.
٢٢. جوهرى، ابونصر اسماعيل بن حماد (١٤٠٧). **الصحاح تاج اللغه و صحاح العربيه** (چهارم). تحقيق: احمد عبدالغفور عطار. بيروت. دار العلم للملايين.
٢٣. جوينى، امام الحرمين عبدالملك بن عبدالله (١٤١٨). **البرهان في اصول الفقه** (اول). تحقيق: صلاح بن محمد بن عويضة. بيروت. دار الكتب العلميه.

٢٤. رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (١٤١٨). *المحصول فی علم الأصول* ( سوم). تحقیق: طه جابر العلوانی. بیروت. مؤسسه الرساله.
٢٥. رملی، شمس الدین محمد بن ابوالعباس (١٤٠٤). *نهایه المحتاج إلى شرح المنهاج*. بیروت. دار الفکر.
٢٦. زبیدی، محمد بن محمد (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق: مجموعه ای از محققان. دار الهدایه.
٢٧. زرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله (١٤١٤). *البحر المحيط فی اصول الفقه* (اول). دار الکتبی.
٢٨. سبکی، تقی الدین علی بن عبدالکافی (١٤١٦). *الإبهاج فی شرح المنهاج*. بیروت. دار الکتب العلمیه.
٢٩. شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد (١٤١٧). *الموافقات* (اول). تحقیق: ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان. دار ابن عفان.
٣٠. شافعی، ابو عبدالله محمد بن ادريس (١٤١٢). *الأمر*. بیروت. دار المعرفه.
٣١. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (١٤١٩). *إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول* (اول). تحقیق: احمد عزو عنایه. دار الکتب العربی.
٣٢. غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (١٤١٣). *المستصفی من علم الأصول* (اول). تحقیق: محمد عبدالسلام عبدالشافی. بیروت. دار الکتب العلمیه.
٣٣. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا). *العین*. تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. دار و مکتبه الهلال.
٣٤. فیروزآبادی، ابوطاهر محمد بن یعقوب (١٤٢٦). *القاموس المحيط* (هشتم). بیروت. مؤسسه الرساله.
٣٥. همو (بی تا). *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز*. تحقیق: محمد علی النجار. قاهره. لجنه إحياء التراث الإسلامی.
٣٦. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. بیروت.

المكتبة العلميه.

۳۷. قرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۴). **الجامع لأحكام القرآن** (دوم). تحقيق: احمد البردوني و ابراهيم اطفيش. الجامع لأحكام القرآن. قاهره. دار الكتب المصريه.
۳۸. قطب، سيد (۱۴۱۲). **في ظلال القرآن** (هفدهم). بيروت - قاهره. دار الشروق.
۳۹. كاساني، علاء الدين ابوبكر بن مسعود (۱۴۰۶). **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع** (دوم). بيروت. دار الكتب العلميه.
۴۰. نووي، ابوزكريا محيي الدين يحيى بن شرف (۱۴۱۲). **روضه الطالبين و عمدته المفتين** (سوم). تحقيق: زهير الشاويش. بيروت. المكتب الإسلامى.

### ج) منابع حقوقى و قانونى

۱. قانون اصلاح انحصار دخانيات مصوب آبان ۱۳۱۱.
۲. قانون اصلاح قانون انحصار تجارت خارجى مصوب تير ۱۳۱۱.
۳. قانون الحاق ماده ۱۲۷ مكرر به قانون مجازات عمومى مصوب تير ۱۳۴۷.
۴. قانون تشديد مجازات قانون قاچاق اسلحه و مهمات قاچاقچيان مسلح مصوب بهمن ۱۳۵۰.
۵. قانون تشديد مجازات مرتكبين جرايم مربوط به مواد مخدر مصوب شوراي عالى انقلاب فرهنگى ۱۳۵۹.
۶. قانون راجع به حفظ آثار ملي مصوب بهمن ۱۳۱۹.
۷. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب دى ماه ۱۳۹۲.
۸. قانون مجازات اسلامى مصوب ۱۳۷۵.
۹. قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غير مجاز از مرزهاى کشور مصوب مهر ۱۳۶۷.
۱۰. قانون مجازات مرتكبين قاچاق مصوب اسفند ماه ۱۳۱۲.
۱۱. قانون نحوه اعمال تعزيرات حكومتى راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ارديهشت ۱۳۷۴.

